

نقد

ایمان مطهری منش

مسئله هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، سال‌هاست که مرکز توجه دولت‌ها و مجامع حقوقی و سیاسی بین‌المللی است و پیش از بیگانگان، این مسئله، به مسأله‌ای ملی برای اقشار مختلف مردم ایران تبدیل شده است. از این رو، بررسی ابعاد مختلف موضوع هسته‌ای، در قالب مکتوب، جایگاه ویژه‌ای یافته است.

«بررسی حقوقی مسأله هسته‌ای ایران» عنوان مکتوبی است به قلم «محمد هادی توکل‌پور» که مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر کرده است. این مجلد ۳۱۰ صفحه‌ای، تلاش می‌کند تا از زاویهٔ قوانین و معاهدات بین‌المللی، مسأله هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را بررسی کند. در این مجال، مرور کوتاهی بر این اثر خواهیم داشت.

چربش تاریخ بر حقوق!

نویسنده، برای تقریب ذهن مخاطب به موضوع اصلی اثرش، کار را با مرور تاریخچهٔ کشف و توسعهٔ انرژی هسته‌ای آغاز می‌کند؛ آغازی که چندان گسترده و دقیق نیست و البته با توجه به موضوع اصلی کتاب نیز، چنین انتظاری از نویسنده نمی‌رود. بنابراین، آنچه به عنوان «پیش درآمد» در آغاز کتاب می‌خوانیم، به ستایشگری مختصری از محاسن انرژی هسته‌ای و ذم معایبش خلاصه می‌شود.

در بخش دوم که عنوان «بررسی ابعاد حقوقی انرژی هسته‌ای» را بر پیشانی خود دارد، شرح مختصری از اقدامات و سیاست‌ورزی‌های دولت‌های صاحب انرژی هسته‌ای، پس از فاجعهٔ هیروشیما و ناگازاکی را می‌خوانیم. سیاست‌ورزی‌هایی که همه با هدف دستیابی به بمب هسته‌ای -به صورت خاص- و انحصارطلبی دولت‌های بزرگ در استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای -به طور عام- اعمال می‌شود.

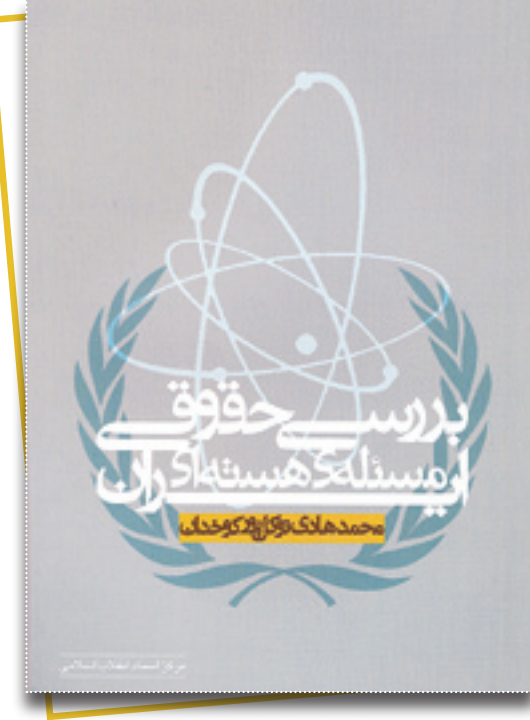
فصل اول این بخش، چندان ساساختار حقوقی ندارد و بیشتر، ذکر تاریخچه‌ای از روند شکل‌گیری معاهدات بین‌المللی است. البته با توجه به عنوان این فصل نیز، انتظار دیگری از آن نمی‌رود؛ «اقدامات ابتدایی خلع سلاح و عدم گسترش».

در فصل دوم ذیل عنوان «سازمان‌های بین‌المللی انرژی هسته‌ای»، مؤلف به بیان نحوهٔ شکل‌گیری و ماهیت سازمان‌های مورد بحث پرداخته و هیچ‌گونه بررسی حقوقی یا سیاسی محسوسی ارائه نکرده است؛ که البته با توجه به عنوان این فصل نیز، چنین انتظاری در ذهن مخاطب شکل نمی‌گیرد.

فصل سوم کتاب، شرح مختصری است از ماهیت معاهدات و قوانین بین‌المللی مربوط به مسأله هسته‌ای. در فصل سوم، همچون فصل‌های گذشته، مخاطب اثر چندان از بررسی‌های حقوقی نمی‌یابد، اما با این وجود، ذهن وی آماده می‌شود تا پروندهٔ هسته‌ای ایران را با معاهدات و قوانین بین‌المللی قیاس کند و کژی و راستی‌هایش را بسنجد. پس، مخاطبی که به صفحهٔ ۱۰۳ رسیده است، مخاطبی است تشنه!

عنوان بخش دوم، برای مخاطب تشنه شوق‌انگیز است. روبه‌روی با عنوان «فعالیت‌های هسته‌ای ایران» این تصور را در مخاطب ایجاد می‌کند که از این پس، روند فعالیت هسته‌ای ایران از منظر حقوقی بیان می‌شود و مجالی است برای قیاس رفتار ایران با قوانین بین‌المللی. اما مخاطب همچنان تشنه می‌ماند!

در فصل اول و دوم از بخش دوم، مؤلف بازم در نقش تاریخ‌نگار ظاهر می‌شود و مختصری از تاریخچهٔ فعالیت‌های هسته‌ای ایران، پیش و پس از انقلاب ارائه می‌دهد. وجه تاریخ‌نگاری، البته در فصل سوم به وجه سیاست‌ایدئولوژیک بدل می‌شود و مؤلف، به «ضرورت دانش هسته‌ای برای ایران» می‌پردازد. حالا مخاطب تشنه در چه صفحه‌ای است؟ ۱۳۴. و آیا همچنان تشنه است؟! به فصل چهارم می‌رسیم و با عنوان «نحوهٔ تشکیل پروندهٔ هسته‌ای ایران و روند آن» روبه‌رو می‌شویم. این فصل تا صفحهٔ ۱۷۰ ادامه می‌یابد و وجه تاریخ‌نگارانهٔ مؤلف، باز در آن نمایان است. مؤلف در این فصل، به بیان نحوهٔ تشکیل پروندهٔ ایران می‌پردازد و روند



مروری بر کتاب «بررسی حقوقی پرونده هسته‌ای ایران»

وقتی تاریخ بر حقوق می‌چربد!

نیز خبری از «بررسی حقوقی» نیست و فقط «نحوه شکل‌گیری و ماهیت توافق نامه‌ها» آورده شده است. مخاطب عزیز، خدا قوت! شما به فصل سوم کتاب رسیده‌اید و عنوان «نقد و ارزیابی محورهای بررسی پرونده هسته‌ای ایران در قطعنامه‌های شورای حکام آژانس» پیش چشمتان است. از این پس، نگاه حقوقی مؤلف وجه غالب می‌شود و «بررسی حقوقی پرونده هسته‌ای ایران» وجه تسمیه می‌یابد.

نگاه حقوقی، از این فصل قوت می‌گیرد و بررسی رفتار ایران بر اساس قوانین بین‌المللی آغاز می‌شود. از این حیث، فصل سوم از بخش سوم، بخش مهم و کاربردی‌ای است؛ چرا که اطلاعات بسیار سودمندی به مخاطب خود می‌دهد. مخاطب، با مطالعهٔ این بخش درمی‌یابد که فعالیت‌های ایران (ورای ملیت‌گرایی و تعصب به میهن و مذهبمان) فعالیت‌هایی منطبق با قوانین بین‌المللی است و اگر قصور و غفلتی هم هست، ناشی از «تخلف» نیست.

اثری لازم، اما معمولی

نگاه کلی کتاب، از آن جهت که «جانبدارانه» و «حزبی» و «گروهی» نیست، ستایش‌برانگیز است. در این اثر، به اقدامات مثبت گذشته تا امروز، اشاره شده و مؤلف سعی بر کتمان دستاوردهای دولت‌های مختلف ندارد. البته، مؤلف در برخی بخش‌ها (نظیر فصل پنجم از بخش دوم) قلمی سیاسی می‌یابد، اما نه آن چنان که وجه بی‌طرفانهٔ اثرش را تحت‌الشعاع قرار دهد. با این همه، مؤلف یک ایرانی مسلمان است و حق دارد از اقدامات و خواسته‌های حق گرایانهٔ مردمش دفاع کند.

به طور کلی، «بررسی حقوقی پرونده هسته‌ای ایران» برای مخاطبان جوان، اثری است قابل تأمل و به عقیدهٔ این قلم، مطالعهٔ این کتاب برای عموم مردم ما لازم است. این لزوم، محض خاطر ملی‌گرایان و حق‌گرایان است. لازم است چون باید برای چرایی لزوم بهره‌گیری از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای جوابی بیابیم. باید دلیل ایستادگی دولت‌های استکباری مقابل حق مسلم ملتمان را بدانیم و این اثر، تا حدودی روشنگری می‌کند.

روشنگری‌های این اثر، تا آن جا که قلم مؤلف اسیر تحلیل‌های سیاسی نمی‌شود، ستایش‌برانگیز است. اما آن جایی که کتاب از موضوع اصلی، یعنی «بررسی حقوقی پرونده هسته‌ای» دور می‌شود، مخاطب به چاله می‌افتد و رغبتش برای مطالعهٔ اثر کاهش می‌یابد؛ نه ویژهٔ آنکه از میانه‌های کتاب، اثری از بررسی‌های حقوقی نیست و صرفاً شرح قوانین و تاریخچه و بعضاً تحلیل سیاسی ارائه می‌شود. کتاب را می‌پندم و می‌پرسم:

چرا کمتر از نیمی از صفحات کتاب باید به موضوع اصلی اش پرداخت؟
چرا مخاطب را برای پرداختن به اصل موضوع، این همه منظر می‌گذاریم؟ آیا این همه انتظار، مخاطب را کلافه نمی‌کند؟
-با این وجود، آیا بهتر نبود نام دیگری بر کتاب می‌گذاشتند تا انتظار مخاطب را تا این حد بالا نیندازد؟

اندکی «ویراست» بد نیست

به جاست تا از بی‌دقتی ناشر در برخی جنبه‌های نشر این اثر یاد کنیم. ظاهراً مرکز اسناد انقلاب اسلامی با «ویراستار» و جایگاهش بیگانه است. اما بد نیست که دوستان نشرمان بدانند، این اثر و آثار دیگر حوزهٔ تاریخ انقلاب، امروز و فردا، خود از اسناد محل رجوع محققان خواهند شد. پس نراواست اگر اشتباه مشابه صفحهٔ ۲۱ این کتاب در سایر محصولات‌شان تکرار شوند، یا بارها و بارها از افعال و جملات مبتلا به اشکالات ویرایشی استفاده شود. نشانی بهتر بدهیم؟ رجوع کنید به صفحهٔ ۲۱، پایین صفحه، آن جا که مؤلف، مخاطب را به یک کتاب ارجاع داده است. نام نگارندهٔ اثر، اشتباه تایپ شده است. حالا که دربارهٔ ارجاعات نوشتیم، بد نیست از مؤلف بخواهیم تا انشالله در چاپ‌های بعدی اثرش، نشانی دقیق مطالب برگرفته از سایت‌های اینترنتی را ابیاورد تا مخاطب در بررسی نوشته‌های آقای توکل‌پور جوان، دچار مشکل نشود.

تاریخی چالش‌هایمان دولت ایران و کشورهای غربی و آژانس

را مرور می‌کند. حالا مخاطب از میانهٔ کتاب گذشته و مشاقتانه منظر «بررسی حقوقی پرونده هسته‌ای ایران» است. در فصل پنجم با عنوان «نقش باز یگران در استفاده از پرونده هسته‌ای ایران» آغاز می‌شود. این فصل، تحلیلی سیاسی است دربارهٔ رفتار دولت‌های اروپایی، آمریکا، روسیه و چین در مواجهه با فعالیت‌های هسته‌ای ایران. و چه سیاست‌ایدئولوژیک به شدت در این فصل خودنمایی می‌کند و در جملات مختلف به‌کار می‌یابد. جملاتی شبیه این: «ایالات متحده پس از جنگ جهانی

روز ملی فناوری هسته‌ای

در نهایت پس از دوسال تعلیقی که در برنامه‌های هسته‌ای ایران صورت گرفت و اینکه اعتمادسازی و شفاف‌سازی به نتیجه‌ای نرسید، در دی ۱۳۸۴ به دستور رئیس‌جمهور ایران (دکتر احمدی نژاد) با فاک بلمپ ساترنیفوژها، غنی‌سازی اورانیم با جدیت بیشتری دنبال شد و متخصصان ایرانی توانستند با ایجاد آبشار ۱۶۴ تایی از ساترنیفوژها در ۲۰ فروردین ۱۳۸۵ به اورانیم غنی‌شدهٔ ۳/۶ درصدی به صورت آزمایشگاهی دست پیدا کنند که به همین مناسبت تلاش دانشمندان ایران اسلامی با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی روز ۲۰ فروردین هر سال، در تقویم رسمی ایرانیان «روز ملی فناوری هسته‌ای» نام گرفت.

بررسی حقوقی پرونده هسته‌ای ایران - صفحه ۱۲۴

زاویهٔ بررسی حقوقی، از صفحهٔ ۱۹۸ قوت می‌گیرد و تا صفحهٔ ۲۰۴ کامبیش ادامه می‌یابد. در فصل دوم این بخش، مؤلف به نحوهٔ شکل‌گیری معاهدات میان ایران و سه کشور اروپایی (انگلیس، آلمان و فرانسه) می‌پردازد. معاهدات و بیانه‌های «سعدآباد»، «بروکسل» و «پاریس» در این فصل تشریح می‌شوند و تعهدات و طرف نیز ذکر می‌شود. البته در این بخش

دوم، وظیفهٔ اصلی خود را تعیین تکلیف این ملت‌ها تا پایان قرن بیستم قرار داده و در این مسیر، خنثی‌سازی قدرت ذاتی این کشورها را دنبال کرده است. به طور مشخص این کشورها به خاطر بر خوردراری از ویژگی رهبری منطقه‌ای شامل: آلمان، ژاپن، روسیه، چین، ترکیه، ایران و مصر می‌شوند» که اگر از نقص جمله‌بندی آن بگذریم، وجه تحلیل سیاسی-ایدئولوژیک در آن

بی‌دقتی ناشر در پیرایش و آماده‌سازی کتاب، آثار یکی از مفاخر ادبی را از استاندارد دور کرد

نامگذاری گمراه‌کننده

مرحوم محمدرضا رحمانی، مشهور به مهرداد اوستا از موفق‌ترین شاعران معاصر و از استادان بزرگ زبان فارسی و فلسفه است. به دلیل آنکه چیره‌دست‌ترین قصیده‌سرا پس از ملک‌الشعرا است، وی را «پدر قصیده‌سرایی معاصر» نامیده‌اند. ژان پل

همه مباحثی که در این کتاب به قلم استاد اوستا آورده شده است، به نوعی سخن‌پردازی ادیبانه و عارفانه است که گاهی در حوصله مخاطب عام نمی‌گنجد. خود ایشان نیز در آغاز کتاب اشاره می‌کند که: «در شناخت انسان، راهنمای تحقیق بدین مجموعه از منظر آفاق خیال‌انگیز عرفان تواند بود...» گویا این شیوه‌ای منحصربه‌فست اوستا بوده است که تألیفات خود را به گونه «روش تحقیق در...» نام می‌نهاده است. کتاب مرحوم اوستا با عنوان «روش تحقیق در منطق زیبایی و انسان‌شناسی» در نوع خود کتابی ویژه است. ناشر، این کتاب را در زمانی گرد آورده است که نزدیک به دو دهه از مرگ مؤلف آن می‌گذرد. در نشر چنین اثری که مربوط به مفاخر و بزرگان این سرزمین است، از ناشر انتظار بیشتری می‌رود؛ به‌ویژه که این افراد امروز در میان ما حضور ندارند. چه بسا با حضور ایشان، اثر مربوط به آنان در مرحله نامگذاری، تدوین و نشر، شکل دیگری به خود می‌گرفت. نام این کتاب در ابتدا برای خواننده‌ای که اولین بار آن را در

صورتجلسه‌های شورای عالی امنیت ملی رژیم پهلوی

شاه پهلوی تا موعدهٔ پیروزی انقلاب اسلامی در ایران. پس از این بخش و در بخش دوم کتاب، شرح صورتجلسات از تاریخ ۵۷/۱۶ تا ۵۷/۷/۲۹ آمده است. جلساتی که حضور نخست‌وزیر، رئیس ساواک، چند وزیر و مسؤولان امنیتی رژیم، نمایان‌گر اهمیت آن است. تدوینگران کتاب، دربارهٔ تعداد اندک صورتجلسات آمده در کتاب، در صفحه ۶۱ نوشته‌اند: «به نظر می‌رسد که شورای عالی امنیت ملی جلسات متعددی تشکیل داده است و آنچه در دسترس مرکز انقلاب اسلامی است، تنها بخشی از مذاکرات است.» و بد نیست بدانید که این کتاب، در حقیقت کتاب‌سازی تازه‌ای است که مرکز اسناد انقلاب اسلامی با استفاده از دو مجلد دیگر از محصولات خود آماده انتشار کرده است. چنان‌که در صفحه ۶۱ می‌خوانیم: «از مجموعه مذاکرات شورای عالی امنیت ملی، تنها این بخش در دسترس بود که



مرحوم مهرداد اوستا، به کوشش بهروز ایمانی و از سوی انتشارات سوره مهر هم اکنون در بازار کتاب موجود است. این کتاب در ۳۱۲ صفحه و قیمت واقعی در ۱۱۰۰ نسخه و با قیمت ۵۷۰۰ تومان به خوانندگان عرضه شده است.

آسیب‌شناسی حزب مشارکت انقلاب اسلامی

برای مرور کتاب دوم، باید بیابیم به پس از انقلاب و سربری به دهه ۷۰ بزنیم؛ زمانی که «حزب مشارکت ایران اسلامی» پا گرفت و تا سال‌ها، در عرصه سیاسی کشور تأثیر گذار بود. کتاب «آسیب‌شناسی حزب مشارکت ایران اسلامی» عنوان محصول دیگری از مرکز اسناد انقلاب اسلامی است که به بررسی و تحلیل فعالیت‌های حزب مشارکت بین سال‌های ۷۷ تا ۸۴ می‌پردازد. مؤلف جوان این کتاب، پیش از پرداختن



کلام نغز

خسارت بزرگ



از رهبر

کتاب، دروازه‌ای به سوی جهان گستردهٔ دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است... کسی که با این دنیای زیبا و زندگی پخش - دنیای کتاب - ارتباط ندارد، بی‌شک از مهم‌ترین دستاوردهای انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی محروم است. برای یک ملت، خسارتی بزرگ است که افراد آن با کتاب سر و کار نداشته باشند؛ و برای یک فرد توفیق عظیمی است که با کتاب مانوس و همواره در حال بهره‌گیری از آن، یعنی آموختن چیزهای تازه باشد...

مزمزه شیرینی شعر



از مخاطب

این روزها، مؤسسهٔ سرورش، فیلم شعر خوانی گروهی از شعرای انقلاب در بیت رهبری را در سال‌های ۸۵ و ۸۶ در سه DVD منتشر کرده است. دیدن دوبارهٔ این جلسات، اهل شعر را مشتاق‌تر می‌کند. نام «سرورش» که می‌آید، آدم فکری می‌شود که لابد کیفیت صوت و تصویر مجموعه «مهر و ماه» مطلوب و بی‌رقیب است. اما اگر مانند من همچنین فکری کرده‌اید، باید عرض کنم که اشتباه است. کیفیت تصویر «عالی» نیست، اما «خوب» است. در برخی بخش‌ها هم، انگار تدوین‌گر فیلم‌ها، فراموش کرده موسیقی را همراه تصویر کند و بنابراین، زمان بین شعر خوانی این شاعر و شاعر دیگر، گاهی تصویر فصل‌گونه می‌بینیم، اما از موسیقی خبری نیست! این را علاوه کنید بر خش خش‌های گاه‌گاه. آیا سرورش با بهره‌گیری از امکانات پیشرفته‌اش، توانسته کاری در خور شأن اتفاقی تا این حد مهم تدوین کند؟ نگاهی به طراحی یک DVDها، شنیدن خش خش‌ها و دیدن کیفیت نه چندان مطلوب تصویر، انذکی نامیدمان می‌کند. دیدار شاعران با رهبر انقلاب، معاصران، میخانه‌ای است که فقط یکبار در سال رخ می‌دهد و نحوه و زمان اجرا و ترکیب حاضران در جلسه، بر اهمیتش می‌افزاید. مهم‌تر این که، این اتفاق در نوع خود، اتفاقی بدیع و بی‌سابقه است. حال باید پرسید، آیا «مهر و ماه» حق آن جلسه و حاضران در جلسه را به خوبی ادا کرده است؟ بهره‌گیری از چه سطحی از کار گرافیکی و چه میزان دقت در تدوین صوت و تصویر؟

سلام آقای وزیر

آشفته‌بازار ممیزی

یکم: روزی که خبر انتشار کتاب «خاطرهٔ دلبران گمگین من» به وزیر سابق ارشاد رسید، او کجا بود؟ توی دفترش؟ در یک سفر استانی؟ یا در یک کنفرانس خبری؟ وقتی خبر انتشار یک کتاب به اصطلاح «شاله» که وزیر رسید، او چه حالی داشت؟ وزارت ارشاد دولت نهم و یک کتاب شاله؟ هیهات! باورش برای وزیر هم دشوار بود. اما اتفاق افتاده بود. کتابی غیر اخلاقی، از ممیزی ارشاد گرفته کرده بود و به بازار رسیده بود. وزیر دلخور است و شاید بی‌راه حل. با معاون فرهنگی اش مشورت می‌کند؟ یا مشاورانش؟ نمی‌دانیم. چند روز می‌گذرد و خبر لغو مجوز انتشار کتاب صادر می‌شود. وزیر، هر جا که می‌رود دربارهٔ آن کتاب و ماجرایش مورد سؤال قرار می‌گیرد. جوابش چیست؟ هر چه هست، آب ریخته شده، بر نمی‌گردد. این چندمین بار است که کتابی پس از انتشار، لغو مجوز می‌شود. عوایش چیست؟

دوم: آقای نویسنده، روبه‌رویم نشسته مهمانش شده‌ام، دفترش با شسور، مهمان نوازی می‌کند و حرف‌هایم را می‌شنود و چیزهایی می‌گوید. حرف می‌رسد سر «خاطرهٔ دلبران کان...» می‌گوید. آن قدر رسانه‌ها گفتند و نوشتند و همه درباره‌اش حرف زدند که من هم تحت تأثیر قرار گرفتم، با شدم رفتم خیابان انقلاب و از دستفروش‌ها، یک نسخهٔ افست از کتاب را خریدم به ۵۰۰۰ تومان. چه چیزی آقای نویسنده را واداشته بود تا پای یک کتاب ۲۰۰۰ تومانی، ۵۰۰۰ تومان بدهد؟ خودش می‌گفت: جورسناه‌ای شدید بود.

سوم: بی‌برنامگی و بی‌قاعدگی تنها ابتلای ممیزی نیست. کمی هم از خرج و مرج بگوییم. از اینکه کتابی با اشکالات فراوان، اعم از طعنه‌های سیاسی و تحریف‌های فکری، تحت فشار لابی‌های نشانران، بدون آنکه خواننده شود یا حتی یک سطر از آن کاسته شود، مهر تأیید ممیزی می‌گیرد اما در مقابل، انبوه اثری که کوچک‌ترین مشکلی ندارد، با اتهامات بی‌بایه، مدت‌ها در بلاکلیفی انتظار می‌ماند. نمونه‌های بسیاری از این دو گروه کتاب قابل ذکر است که نه دستاورد یک دولت، که محصول ناکار آمدی سیاست‌های فرهنگی، لابی‌های نشانران و افراد خاص در دولت‌های پیشین و دولت نهم است.

چهارم: آقای وزیر! آقای حسینی! آنچه خواندید، اتفاق افتاده است. نه فقط در سال‌های دور، بلکه بی‌حدی. دو سال قبل در همین کشور و در دستگاه وزارت و وزارتخانه‌ای که اکنون، نام شمار در رأس آن است. آقای وزیر! اگر خاطراتن باشد، کار به آنجا رسید که رئیس‌جمهور، در برنامه‌های تبلیغاتی اش، شخصاً -اگرچه در- از وضعیت نشر و ممیزی انتقاد کرد. این، یعنی کار به استخوان خیلی‌ها رسیده. فضای این روزهای نشر و مطالعه و توزیع کتاب، می‌گوید که جو بی‌اعتمادی و تردید حکمفرما است. اگر نمی‌پذیرید، خبر نگاران این صفحه، می‌توانند گزارشی از گفت‌وگوها و پیگیری‌های یک ماه اخیرشان تقدیم کنند تا تصویر گفته‌ها و کرده‌های ناشر و کتابفروش و حتی خبرنگاران حوزهٔ کتاب، پیش چشم‌تان بیاید.

آقای وزیر! نظر شما دربارهٔ ممیزی چیست؟ به نظر تان، ممیزی‌ای که گاهی «یازده دقیقه» و «خاطرهٔ دلبران کان...» و «هستگی» را «جایز» می‌شمارد و گاهی آن یک محقق و نویسندهٔ صاحب‌عنوان را مدت‌ها در تعلیق قید می‌دهد، چگونه ممیزی‌ای است؟ آقای وزیر! لابد می‌فراوانید که این سال، شیوهٔ ممیزی کتاب در ایران، بی‌تغییر بوده است و سال‌های سال سلیقهٔ میزبان به جای قاعده و قانون و مصالح ملی، تعیین‌کننده بوده است؛ همین طور سال‌های سال میزبان مغرض و گاه بی‌سواد، دل‌عدای راه به دست آورده و جگر گروهی دیگر را هم خون کرده‌اند. آقای وزیر! مرور کتاب‌هایی که در سه‌ماه اخیر مجوز انتشار گرفتند و اکنون در بازار به فروش می‌رسند، می‌تواند فهرستی قابل تأمل از کتاب‌های غیرقابل انتشار پیش چشم‌تان بگذارد. به نظر شما این کتاب‌ها چطور مجوز گرفته‌اند؟ شاید نامشان بدانند همین طور است سر نوشت کتاب‌هایی که بلاکلیف در اداره کتاب سرگرداندند. ضرب‌المثلی هست که می‌گوید: «همدان دور است، اما کرکرت مرزش نزدیک» شاید وزیر سابق ارشاد هم تصور نمی‌کرد که روزی، کتابی مورج بی‌اخلاقی، در دورهٔ او، در کشور جمهوری اسلامی ایران منتشر شود.

معرفی